

گزارش دیگری از برگزاری مراسم اول ماه مه در آبخارخور

جلال ناصری

پانزدهم اردیبهشت ماه هشتاد و شش

" اول ماه مه "

درجهشی ناگهانی از عشق، در خیزی از نفرت
ما کارگران پس مانده های ، پا یمال شده،
به یکدیگر درمی آمیزیم

و به توده ی سوزان و آتشفشانی جوشان و راز آمیز مبدل خواهیم شد
و امروز اینک بخشی از آن توده مائیم
جوانی ما که دیربست از یاد رفته
امیال ما که به تدریج از دست رفته اند

رویاهای ما که هرگز تاجی از پیروزی به سر ننهاده اند
زندگی ما دستخوش تیره روزی و شرمساری
و همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله ور خواهند شد
و بلند و تابناک زبانه خواهند کشید

و امروز هرچند به وضوح نمی توانیم شادی کنیم
و نمی توانیم در آرامش بسوی هدفهای نجیب خویش گام بر داریم
با این همه خداوند سرنوشت خویشیم
بهاریم، جوانی هستیم، سپیده دمیم

و نخستین روز مه ، روز ماست، از آن ماست
و آنان که باد می کارند،

از توده کارگران از طبقه طوفان درو خواهند کرد

به روال چندین سال گذشته امسال هم در هفت اردیبهشت توده کارگران بخش های مختلف کارگری منطقه تهران و کرج در هیئت گروه های ورزشی و گلگشت های خانوادگی مراسم اول ماه مه خود را در اولین تعطیلی نزدیک به روز کارگردر مورخ جمعه هفت اردیبهشت هزار و سیصد و هشتاد و شش در منطقه خور واقع در جاده کرج چالوس بالاتر از سه راه آدران با شکوه و زیبا در محیطی شاد و صمیمی برگزار کردند. با توجه به هماهنگی ها و تقسیم کاری که از دو هفته پیش از این انجام گرفته بود، کارگران نقاط مختلف تهران و کرج از ساعت شش الی هشت و نیم

صبح جمعه با وسایل شخصی، اتومبیل و اتوبوسهایی که از پنجاه و سه ایستگاه در کرج و سی ایستگاه در تهران، قبل از ساعت حرکت آنها مشخص شده بود خود را به خور رساندند. با توجه به اینکه گلگشت های اول ماه مه دیگر بعنوان بخشی از سنت جنبش کارگری ایران تبدیل شده است و هر سال هم دامنه آن گسترده تر میشود. گرچه محل و یا منطقه برگزاری بعثت های از جمله شرکت گسترده کارگران و فعالین کارگری تغییر کرده و در سالهای اخیر منطقه آبشار خور میزبان این سنت خوب کارگری بوده است. امسال هم کارگران همراه خانواده هایشان، فعالان کارگری در هیئت کمیته هماهنگی، کمیته پیگیری، شورای همکاری، سندیکای واحد، سندیکای نقاشان و تعدادی از اینجویها با جمعیتی بیش از سه هزار نفر مراسم مستقل خود را طبق عرف چند سال گذشته برگزار داشتند.

در این گردهمایی با شکوه کارگران صنایع خودروسازی همراه اعضای خانواده های خود، دوستان و کارگرانی از سایپا، پارس خودرو، ایران خودرو، ایران خودرو دیزل، سایپا دیزل، اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد، پوشینه بافت و ایران کمپروسورقزوین، صنایع نیروگاهی کرج جاده ملارد، صنایع آموزشی جاده مخصوص پارس ژنراتور کرج جاده ملارد، استاد ایران هشتگرد، ایرکت هشتگرد، ماد ایران هشتگرد، فلزکار مکانیک تهران، ایران وانت مزدا، تام ایران خودرو، سندیکای کارگران نقاش همراه هیئت بازگشائی سندیکای نقاشان و تزئینات ساختمان، قالب های بزرگ صنعتی سایپا، مالیل سایپا، کارگران سابق کفش ملی، جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان، فعالین نشریه دانشجویی بذر، انجمن کودکان کار، تعدادی از کارگران و خانواده های کارگری و کودکان مهاجر افغانستان، جمعیت تلاش برای جهانی شایسته کودکان، گروه کوهنوردی صنایع خودروسازی، کارگران یخچال سازی خرم آباد، تعدادی از فعالین کارگری کرمانشاه، سنندج، رشت، بوکان، کمپین زنان جمع آوری یک میلیون امضاء، دست اندرکاران سایت رستا، انجمن بدون مرز، دست اندرکاران مجله راه آینده و شرکت صنایع آموزشی در این گلگشت حضور داشتند.

ابتدا گروههای مختلف چادرهای خود را برپا نمودند و زیراندازهای خود را گسترده کردند. سپس نوبت به صرف صبحانه رسید، بیشتر گروه های کارگری همراه خانواده ها صبحانه را به طور مشترک با هم صرف نمودند. در عین حال نیروهای انتظامی مسلح به باطوم و لباس شخصی های مسلح به سلاح کمری در سرتاسر جاده و یال و جاده مشرف به خور در تردد و مشغول فیلمبرداری از لحظه به لحظه جمع شدن و ورود کارگران به منطقه خور بودند.

پس از آن که تعدادی از پلاکاردها برافراشته شد نیروی انتظامی منطقه آدران به محل تجمع مراجعه و ضمن جمع آوری پلاکاردها مانع از راه انداختن باند ها و دکوآمپلی فایلها شدند و با مسئولین برنامه وارد مذاکره جهت عدم نصب پلاکارد، دادن شعار و بلندگوها شدند. بر روی پلاکاردها شعارهایی از قبیل " قرارداد موقت کارملگی باید گردد"، "مقاوله نامه ۸۷ اجرا باید گردد"، " زندگی شایسته حق مسلم ماست"، " گرامی باد روز جهانی کارگر" و شعارهای درخصوص " کارگران اخراجی"، " پائین بودن دستمزدها"، " نبود آزادی ایجاد تشکل های آزاد کارگری"، " محکوم کردن زندان محمود صالحی"، " محکوم کردن تائید تعلیقی احکام زندان دیگر متهمین پرونده دستگیر شده گان اول ماه مه سقز در سال هشتاد و سه" (آقایان محسن حکیمی، جلال حسینی و برهان دیوارگر)، " آزادی ایجاد سندیکا"، " افزایش دستمزد بر مبنای یک زندگی شرافتمندانه" و دیگر خواسته ها و مطالبات کارگری بود. در این لحظه

فرزند یکی از کارگران که در حال فیلمبرداری از صحنه جمع آوری پلاکاردها بود توسط لباس شخصی ها دستگیر و سپس با دخالت پدرش هر دو بازداشت شدند. آنها پس از یک ساعت بازداشت، توقیف و ضبط دوربین و گوشی تلفن همراه، توسط نیروهای پلیس آزاد شدند.

در ساعت دوازده نیز دوتن دیگر از فعالین کارگری بازداشت شدند که آنها نیز پس از یک ساعت آزاد گردیدند. پس از این ماجرا توافق شد که بلندگوها دوباره نصب گردند و از آنها فقط برای اجرای مراسم کودکان که شامل مسابقه ورزشی، نقاشی و موسیقی بود استفاده شود.

کارگران در سطحی گسترده به مساحت بیش از پانزده هکتار در دشت های قشنگ و زیبای دامنه آبشار خوردربهاری دل انگیز و دلچسب با طبیعت یکی شده بودند. گروههای کارگری و کمیته های مختلف برای تشکل های کارگری و دانشجویی در دسته های متنوع به اجرای موسیقی، رقص مشغول و در عین حال بحث و گفتگو در خصوص چگونگی حضور در مراسم روز یازده اردیبهشت در خیابانهای تهران و کرج، خواسته ها، مطالبات، شعارها و سازماندهی و تشکل همچون رودی خروشان در میان کارگران و فعالین کارگری جریان داشت.

از ویژگیهای مراسم امسال پیوستن بخش های از جمع های معلمان تهران و کرج دانشجویان دانشگاه های مختلف تهران کارگران نقاش، هیئت بازگشائی سندیکای نقاشان و تزیینات و حضور تعدادی از فعالین کارگری از شهرستانهای مختلف می باشد. بعلاوه ویژگی دیگر پیوستن کمیته ها و تشکل های کارگری به گروه ها و جنبش ورزشی کارگران است. واقعیت اینست که از چندین سال پیش تعدادی از کارگران کارخانه های مختلف جهت حفظ سلامت و در عین حال برای بحث و گفتگو حول مسائل کار و زندگی و نزدیک شدن به هم دست به ایجاد گروههای ورزشی از جمله کوهپیمائی زدند. آن اوایل از جمع های ده و بیست نفره شروع شد با بحث هایی پایه ای و ابتدایی تا به امروز که به مناسبت اول ماه مه به جمع های بیش از سه هزار نفری رسیده و توده های کارگر را حول مسائل کار و زندگی بسیج و متشکل می کنند. دست اندرکاران برگزاری اول ماه مه آبشار خورکارگرانی آگاه به منافع طبقاتی خویش هستند که بدون هیچ ادعای سالها با صداقت تمام نسبت به هم طبقه هایشان و با پشتکاری که از باور به رسالت طبقه سرچشمه میگیرد سنگ روی سنگ گذاشتند و گلگشت جمع های کوچک خانواده های کارگری در هر اول ماه مه را به سنتی زیبا، سترگ و پیش درآمدی برای سازماندهی اول ماه مه در جنبش کارگری تبدیل کرده اند. هر سال در آستانه اول ماه مه این گروه های اولیه کارگران برگزار کننده مراسم و گلگشت های اول ماه مه بوده که میزبان و سازمانده کامپین بزرگ کارگری آبشارخور هستند. واقعاً جای بسی خوشحالی است، بایستی چشمها را شست و جهان را طور دیگری دید. این خود کارگران بوده و هستند که طی این سالها سنگ روی سنگ گذاشته اند و سنگ منافع خود را به سینه میزنند. این جلسات هماهنگی، زحمات و تلاش بیدریغ کارگران برگزار کننده آبشارخور است که این امکان و موقعیت را فراهم می سازد تا کمیته ها، تشکل ها، محافل و حتی کسانی را که ادعای "رهبری" طبقه کارگر را دارند بسوی خور بکشاند. واقعاً صحنه های قشنگ، زیبا و درس آموزی است، وقتی آدم با چشمهایش می بیند و مشاهده می کند که سخنگویان کمیته ها، تشکلها و محافل در نوبت می ایستند و از کارگران مسئول برنامه درخواست آن را دارند که پنج الی شش دقیقه فرصت معرفی خود از طریق تریبون مراسم خورو هیئت برگزار کننده را داشته باشند.

کارگران برگزار کننده مراسم آبشار خور بدون ادعا با کارمشتترک جمعی از دو هفته قبل از مراسم تدارک هم چیز را می بینند. کارگران خودشان هستند که برنامه ریزی میکنند، سازمانده هستند و با توجه به شرایط موجود اجتماعی، طی حداقل ده سال اخیر خود مستقلا به اجرای مراسمها پرداخته اند. امروز هم دور سفره ای که در آبشار خور گسترده اند، تقریباهمه هستند. حتی آنها ی که همیشه، تقریباً همیشه درکمپین ها، سخنرانی و مراسمها برای مطرح و بزرگ کردن جریانشان خارج از تصمیمات جمعی عمل کرده و مشکلی بر مشکلات افزوده اند. خیلی از جریانهای سیاسی بودند و هنوز هم هستند که نام حزب، سوسیالیسم و کارگرو غیره را... یدک می کشند، اما نه تنها جسمشان با کار و زحمت بیگانه، بلکه حتی روح شان هم از سوخت و سازهای کارگری بی خبر است. حالاهم وقتی طی سالهای متمادی تیر استراتژی و تاکتیک هایشان به سنگ خورده ، سرو کله شان توی جمع ها و گلگشت های کارگری پیدا شده است. البته هنوز هم به جای شرکت فعال در تدارکات و بحث ها و ارائه نظرات و پیشنهادها و کمک به حل موانع و معضلات پیش پای جنبش کارگری دنبال تبلیغ برای حزب، فرقه و محفلشان هستند. اعلامیه و تراکتی پخش میکنند و برای جریانات مطلوبشان تبلیغ می نمایند. تمام هم و غم و تمام کوشش شان این است که فعال های کارگری را از بدنه جنبش کارگری جدا و بسیج کنند و با منتصب کردن این فعالین به جریان خویش وجهه ای برای فرقه شان کسب نمایند و یا ادعای داشتن پایگاه اجتماعی کنند.

مراسم پس از بحث و گفتگودر بین کارگران و فعالین درمورد برنامه درخصوص یازده اردیبهشت و اجرای موسیقی، مسابقه ورزشی، مسابقات مختلف هنری بین کودکان، مهاجران افغان و کارگران در ساعت چهار بعد از ظهر پایان یافت.

جلال ناصری از خور

۱۳۸۶/۲/۷